

کد کنترل

518

A

بانک مقالات ایران

مرکز دانش و مقالات

علمی و پژوهشی و

سئوالات آزمونها

www.edub.ir

صبح جمعه ۹۷/۱۲/۳ دفترچه شماره (۱)		 <p>جمهوری اسلامی ایران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان سنجش آموزش کشور</p>	«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.» امام خمینی (ره)	
آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه متمرکز) - سال ۱۳۹۸				
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی - کد (۲۱۳۰)				
مدت پاسخ گویی: ۱۲۰ دقیقه		تعداد سؤال: ۹۰		
عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات				
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی - فقه - اصول	۹۰	۱	۹۰
این آزمون نمره منفی دارد.		استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.		
حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می باشد و با نقض این برابر مقررات رفتار می شود.				
۱۳۹۸				

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در متدرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْخِ وَ الْأَقْلَقِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ (۱-۱۰)

۱- ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ، وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...﴾:

(۱) مردمان ملت یگانه‌ای بودند آنگاه الله پیغامبرانی برای مژده دادن و انذار کردن مبعوث کرد، و با آنان کتاب حق را فرستاد تا داوری کند در آنچه بین خود اختلاف کرده‌اند!

(۲) مردم ابتدا امتی یگانه بودند و خدا پیامبرانی را مژده‌آور و اخطارکننده فرستاد و کتابی را به حق نازل کرد تا پیامبران در آنچه مردمان اختلاف دارند حکمیت کنند!

(۳) مردمان در آغاز ملتی واحد بودند و الله پیغامبران را برای مژده دادن و برحذر داشتن ارسال کرد، و با آنان کتابی را به حق فرستاد تا بین مردم داوری کنند در آنچه اختلاف دارند!

(۴) مردم امتی واحد بودند و خداوند پیامبران را مژده‌دهنده و هشداردهنده مبعوث کرد، و با آنان به حق کتاب را نازل کرد تا بین مردم در آنچه اختلاف کرده‌اند حکمیت کنند!

۲- « أَمْلِكُوا عَلَيَّ هَذَا الْغَلَامَ لَا يَهْنُئَنِي، فَإِنِّي أَنفَعُ بَهْنِينَ عَلَى الْمَوْتِ لَنَلَا يَنْقُطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ! »:

(۱) این جوان را بشدت نکه دارید که پشت مرا نشکند، چه مرگ این دو را دریغم آید، تا با مرگ آنها نسل رسول الله قطع نگردد!

(۲) این نوجوان را مانع شوید تا بر من حمله نکند، زیرا من بر مرگ این دو تن بخل می‌ورزم، تا نکند با این مرگ دودمان پیامبر خدا قطع گردد!

(۳) این نوجوان را دور از من نکه دارید تا مرا درهم نکوبد، چون من از مرگ این دو سخت بیمناکم، نکند مرگ آنها دودمان رسول الله را قطع کند!

(۴) این جوان را محکم از من دور کنید وگرنه پشت مرا خم می‌کند، چه من از مرگ این دو نفر سخت بیم دارم، که با مرگ آنها نسل رسول خداوند منقطع می‌شود!

۳- عین الصحیح:

- (۱) إن مثل هذه الكتب لا تُعار من مكتبة الجامعة لكثرة حاجة الطلاب إليها: چنین کتابهایی به دلیل کثرت نیاز دانشجویان به آنها، از کتابخانه دانشگاه امانت داده نمی‌شود!
- (۲) أصبحت أمتنا أكثر ما تكون بحاجة إلى التضامن و التعاون: امت ما اکنون بیش از پیش نیازمند اعتماد متقابل و همکاری است!
- (۳) لسنا في حاجة إلى أي من القوى العظمى للحصول على الاكتفاء الذاتي: ما برای دستیابی به تولید ملی به هیچیک از ابرقدرتها نیاز نداریم!
- (۴) أغلينا بحاجة ماسة إلى معلم ماهر ندرس عليه: أغلب ما به معلمی ماهر نیاز داریم که با روش او درس بخوانیم!
- ۴- « تَوْفَقَ فَعَمِيَ مَا شِلْتَ تَهْلُوهُ فَكُنْ مُعَالِيَهُ أَوْ كُنْ لَهُ نَشْبًا! »:

- (۱) خود را از او حفظ کن و اگر بخواهی او را گرفتار سازی، با او لجاجت کن یا با او درآویز!
- (۲) از او بهره‌یز و هرگاه قصد آزمودن وی را کنی، با او دشمنی کن و علیه مال و منال او باش!
- (۳) از او بر حذر باش و چون بخواهی او را بیازمائی، یا دشمن او باش یا مال و منالی در دستش!
- (۴) خویشتن را از او دور بدار و هر وقت اراده کنی او را مبتلی سازی، با وی یا ستیزه کن یا گلاویز شو!
- ۵- « وَ دَعِ غَمَارَ الْغَلَى لِلْمُقْتَمِينَ عَلَى رُكُوبِهَا، وَ اقْتَنِعْ مِنْهُنَّ بِالْبَيْتِ! »:
- (۱) گرد و غبار محنت را رها کن، و از دنیا به اندک نعمتی بسنده کن!
- (۲) رها کن اندوه بزرگواری را برای اقدام‌کنندگان، و تو خود به استراحت قانع باش!
- (۳) غمهای بزرگ را برای اهلش رها کن، و خود به بلاهای کوچک در این روزگار بسنده کن!
- (۴) گردابه‌های بزرگواری را برای شجاعانی بگذار که بر آن برمی‌نشینند، و تو خود به نمی از آن قانع باش!
- ۶- « از زمانهای دور تا به امروز بسیاری از دانشمندان و ادیبان به نوشتن شروح بر این کتاب روی آورده‌اند! »:
- (۱) إن غالبية العلماء و الأدباء من العهد البعيد و حتى هذه الأيام يبادرون بشرح الكتاب هذا!
- (۲) قد أقبل كثير من العلماء و الأدباء على وضع شرح لهذا الكتاب منذ أمد بعيد و حتى يومنا هذا!
- (۳) إن أغلب العلماء و الأدباء بادروا بإيجاد شروح على هذا الكتاب من الأزمنة البعيدة حتى اليوم!
- (۴) قد أقبلوا الكثير من العلماء و الأدباء لكتابة شروح على هذا الكتاب منذ زمن بعيد حتى هذا اليوم!
- ۷- « عجيب اينست که زندگی ادبی در عصر بعضی دولتها و امارتها بحدی شکوفا شد که نظیر آن در هیچ دوره‌ای دیده نشده است! »:

- (۱) الغريب أن الحياة الأدبية ازدهرت في عصر بعض الدول و الإمارات ازدهارًا لم ير نظيره في أي عصر آخر!
- (۲) من الطريف أن حياة الأدب في عصر بعض الدول و الإمارات ازدهرت كثيرًا إلى أن لم ير نظيره في العصور الأخرى أبدًا!
- (۳) العجيب أن حياة الأدباء ازدهرت في بعض الدول و الإمارات ازدهارًا بحيث لم يكن للازدهار عهد هكذا!
- (۴) من العجاب أنه في عصر الدول و الإمارات الحياة الأدبية كانت تزدهر ازدهارًا لم يعهده العالم!

۸- « تا قبل از آن روزها هرگز ندیده بودم که کسی از خوشحالی گریه کند! »:

- (۱) لم أر قط قبل تلك الأيام أن أحدا يبكي فرحاً!
- (۲) ما رأيت أبداً أحداً يتباكى للفرح قبل تلك الأيام!
- (۳) لم أ شاهد أبداً أحداً في بكاء الفرح إلى تلك الأيام!
- (۴) ما شاهدت قط إلا في تلك الأيام أن أحداً يبكي فرحاً!

۹- عَنِ الْأَمِصْغِ وَالْأَبْقَى فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿ لَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴾: منت منه تا بیشتر بخواهی!
- (۲) ﴿ وَ إِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴾: تو را جز از گروه دروغگویان نمی پنداریم!
- (۳) ﴿ تَاللَّهِ إِنْ كُنْتُ لَلْثَوْدِيِّنَ ﴾: به خدا قسم بدون شک نزدیک بود مرا به هلاکت افکنی!
- (۴) ﴿ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنْ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ﴾: دانستند که پناهگاهی از خداوند جز او را نیست!

۱۰- « أريد مكاناً من كريم يصونني! ». عَنِ الْأَقْرَبِ لِمَفْهُومِ الْمَصْرَاعِ:

- (۱) در پناه دولت او جایی می طلبم!
- (۲) از آسیب حوادث به جوار او پناه جستم!
- (۳) بخشنده با مکانی می خواهم تا بتوانم به او پناه ببرم!
- (۴) می خواهم از آسیب حوادث در جوار مأمون او محروس بمانم!

■ ■ عَنِ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ (۱۱-۱۳)

۱۱- « الأول الذي لم يكن له قبل فيكون شيء قبله، و الآخر الذي ليس له بعد فيكون شيء بعده »:

- (۱) يَكُونُ - فيكون - شيء - قبله
- (۲) قَبْلُ - يَكُونُ - قَبْلَهُ - الآخر
- (۳) له قَبْلُ - قَبْلَهُ - الآخر - يَعدُّ
- (۴) يَكُونُ - فيكون - شيء - يَعدُّ

۱۲- « أكل الفاكهة ينقي الدم و لا سيما تفاحة تؤكل بعد الفطور، أما أكلها قبل الفطور ولا سيما الطازجة منها فهي أكثر فائدة! »:

- (۱) أكل الفاكهة - ينقي الدم - أما أكلها قبل الفطور
- (۲) ينقي الدم - ولا سيما تفاحة - تؤكل بعد الفطور
- (۳) أكلها قبل الفطور - ولا سيما الطازجة منها - أكثر فائدة
- (۴) ولا سيما تفاحة - أما أكلها قبل الفطور - ولا سيما الطازجة

۱۳- عَنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) جَاءَتْ عِنْدَنَا مُضْطَرِبَةٌ طِفْلاً وَ هِيَ تَبْكِي!
- (۲) لم يحصل على الجائزة ما خلا طالبة واحدة!
- (۳) اتعلم أنني زُرْتُه ليلة كنت أنت عنده!
- (۴) لم يَفْزَ في هذا السباق غير أربع طالبات!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۴-۱۸)

۱۴- ﴿و لو ترى إذ وقفوا على النار فقالوا: يا ليتنا نزداً و لا تكذب بآيات ربنا﴾. عین الخطأ:

(۱) إذ: ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان - وقفوا: فعل ماضٍ مبني للمجهول، نائب فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة مضاف إليه

(۲) ترى: فعل مضارع، معتل و ناقص، و كذلك مهموز العين (حذف الهمزة واجب) - فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت»

(۳) يا ليتنا: يا، حرف نداء أو تنبيه - ليت: حرف تمني - نرُد: مضارع مبني للمجهول، نائب فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «نحن»

(۴) و لا تكذب: الواو حرف حالية - و الفعل مزيد ثلاثي من باب تفعيل، و منصوب بحرف الواو الحالية

۱۵- ﴿نضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئاً و إن كان مثقال حبة من خردل أتينا بها، و كفى بنا حاسبين﴾. عین الخطأ:

(۱) تظلم: فعل مضارع، متعد و مبني للمجهول، نائب فاعله «نفس» - مثقال: خبر مفرد لفعل «كان» الناقص و منصوب

(۲) أتينا: فعل ماضٍ - معتل و ناقص (بدون إعلال) - بها: الباء: حرف للتعدية - ها: ضمير متصل مرجعه «مثقال» و تأنيته باعتبار المضاف إليه

(۳) نضع: مضارع - معتل و مثال (له إعلال الحذف) - الموازين: ممنوع من الصرف (منتهى الجموع) و مفعول به - القسط: نعت من باب «زيد عدل»

(۴) كفى: فعل ماضٍ، معتل و ناقص و له إعلال القلب - بنا: جار و مجرور و متعلقهما فعل «كفى» - حاسبين: تمييز نسبة و مميّزه الملحوظي فعل «كفى»

۱۶- ﴿إنك لست بمسابق أجلك و لا مرزوق ما نيس لك، و اعلم أن الدنيا يومان يوم لك و يوم عليك﴾. عین الخطأ:

(۱) الدنيا: مشتق و اسم تفضيل، و اسم «أن» و خبره «يومان» - يوم: بدل تفصيل أو تفریع، و مرفوع بالتبعية للمبتدل منه «يومان» أو على أنه خبر لمبتدأ محذوف

(۲) و لا مرزوق: الواو حرف عطف، و «لا» حرف زائد لتأكيد النفي، و مرزوق: اسم مفعول و شبه الفعل و نائب فاعله الضمير المستتر فيه تقديره «أنت»

(۳) إنك: اسمه ضمير الكاف و خبره الجملة «لست» - لست: من الأفعال الناقصة و اسمه ضمير التاء البارز و خبره «سابق» شبه الفعل

(۴) سابق: مجرور بحرف الجز، بسابق: جار و مجرور و متعلقهما فعل «لست» - أجل: مفعول به و منصوب لشبه الفعل «سابق»

- ۱۷- « أَقِيمْ بدار الحزم، مادام حزمها و أحر - إذا حالت - بأن أتحوّلاً! ». عَيْن الخطأ:
- (۱) مادام: من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، « ما » حرف مصدري و ظرفي تأويله « مدة دوامه ... »، اسمه « حزم » و خبره مخوف
 - (۲) أحر: فعل لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مفعوله المصدر المؤول « أن أتحوّلاً » و هو مجرور في اللفظ بحرف الباء الزائدة
 - (۳) أَقِيمْ: فعل مضارع، مزيد ثلاثي من باب إفعال، معتل و أجوف، إعلاله بالاسكان بنقل الحركة ثم بالقلب، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنا »
 - (۴) أتحوّلاً: مضارع من باب تفعل، و المصدر المؤول متعجب منه و مجرور بحرف الباء الزائدة في اللفظ و مرفوع محلاً على أنه فاعل لفعل « أحر »
- ۱۸- « و من يتبع جاهدًا كلَّ عثرة يجدها، و لا يسلم له الدهر صاحب! ». عَيْن الصحيح:
- (۱) يجد: معتل و مثال (له الإعلال بالحذف)، فعل جواب شرط و مجزوم، فاعله الاسم الظاهر « صاحب » - الدهر: مفعول به لفعل « يسلم »
 - (۲) يسلم: مجرد ثلاثي، معطوف على جواب الشرط فيجوز فيه الجزم و الرفع، فاعله « صاحب » و الجملة فعلية
 - (۳) عثرة: اسم الهيئة أو النوع من مصدر « عثر »، مضاف إليه للمضاف « كلَّ »، و فعل « يجد » مع فاعله جملة فعلية و نعت للمنعوت « عثرة »
 - (۴) يتبع: مضارع من باب « تفعل »، فعل شرط و مجزوم - جاهدًا: حال مفردة و منصوب و عامل الحال فعل يتبع، و صاحبها الضمير المستتر في العامل

■ ■ عَيْن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۹-۲۰)

- ۱۹- عَيْن الخطأ عن اسم التفضيل:
- (۱) استحمد الله خلقه؛ فهو أحمدُ أن يتنى عليه!
 - (۲) خَصِرَ اليوم من أمس درجات؛ فالْيَوْمُ أخَصِر من أمس!
 - (۳) حُبِدَ من قنع، أكثر من الذي لم يقنع؛ فالقانع أحمد من غير القانع!
 - (۴) اختصر الخطيبُ كلامه عن الصلاة و أسهب في الصوم؛ فكلامه عن الصلاة كان أخَصِر!
- ۲۰- عَيْن الخطأ في النسبة:

- | | |
|---------------------------|----------------------|
| (۱) يَد ← يَدَي | (۲) ابْن ← ابْنَي |
| (۳) مَكَاتِب ← مَكَاتِبِي | (۴) أُخْتُ ← أُخُوِي |

۲۱- عَيْنَ ما يَخْتَلِفُ عن الباقي في نوع الإعرال:

- (۱) إِيحَاد (۲) اتِّحَاد (۳) اعْتِيَاد (۴) إِيحَاء

۲۲- عَيْنَ حرف الجز شبه زائد:

- (۱) رَبِّ حَامِل فَهه إِلَى من هو أَفْقَه منه! (۲) وَ إِنْ من شيء إِلَّا يَسْتَبِيح بِحَمْدِهِ!
(۳) إِنِّي ما رَأَيْتَكَ منذ يوم الجمعة! (۴) التَّائِب من الذَّنْب كَمَنْ لا ذَنْب لَهُ!

۲۳- « ما أطمع فيه أن أنجح في الامتحان؛ أفلا ترى أن لا ينجح إلا المجذأ ». عَيْنَ الصحيح عن الإعراب:

- (۱) أَنْجَحُ / يَنْجَحُ (۲) أَنْجَحَ / يَنْجَحُ (۳) أَنْجَحُ / يَنْجَحُ (۴) أَنْجَحُ / يَنْجَحُ

۲۴- عَيْنَ نوع الجملة فيما أُشير إليه بخط: ﴿ فلا يحزنك قولهم إنا نعظم ما يُسترون و ما يعنون ﴾ ﴿ لا يحزنك قولهم إِنْ العِزَّة لله جميعاً ﴾:

- (۱) معترضة / مفعولية (۲) حالية / حالية (۳) مستأنفة / ابتدائية (۴) مفسرة / مقول القول

۲۵- عَيْنَ الصحيح عن التوكيد:

- (۱) عَلَّقَت اللوْحَتَيْنِ الجميلتين كليهما على جدار الغرفة!

- (۲) إِنْ معلِّمتنا نفسها قد زرعت في قلوبنا بذور الأمل!

- (۳) غَيَّرَت أماكن الكراسي كلّها في صالة الاستقبال!

- (۴) ذهب الحاجّ أجمع كلّهم لزيارة بيت الله الحرام!

۲۶- عَيْنَ الخطأ في إعمال أفعال القلوب:

- (۱) علمتُ الخبر صادقاً! (۲) الخبر علمتُ صادقاً!

- (۳) الخبر صادقاً علمتُ! (۴) علمتُ ما الخبر صادقاً!

۲۷- عَيْنَ ما فيه عطف البيان فقط:

- (۱) يا زميلة الأستاذة؛ ما أصعب عملك! (۲) زينب أستاذة حسين أخوها!

- (۳) ماذا عملت؟ أخيراً أم شراً! (۴) إِنْ هذه أمتكم أمة واحدة!

۲۸- « ألا كل شيء ما خلا الله باطل ». عَيْنَ الصحيح عن إعراب لفظ الجلالة « الله »:

- (۱) مجرور وجوباً بحرف الجز (۲) مرفوع وجوباً على الفاعلية

- (۳) منصوب وجوباً على المفعولية (۴) منصوب أو مجرور جوازاً

۲۹- عَيْنَ ما ليس باستغاثه:

- (۱) يا علماء؛ للعلم و الأدب!

- (۲) يا قراء القرآن؛ لكم ما عملتم!

- (۳) يا نخري الدراسة و يا للخبراء؛ للدراسات الجامعية!

- (۴) يا للعلماء و يا للأدباء؛ من ضالة الدراسة في الجامعات!

۲۰- عین الخطأ:

- (۱) إحتظي دروستك يا طالبه!
(۲) حفاظ دروستك يا طالبه!
(۳) إحتظي يا طالبه دروستك!
(۴) حفاظ يا طالبه دروستك!

۳۱- کدام مورد در باب كفالت (طبق نظر شهیدین)، درست است؟

- (۱) كفالت در تعهدات کیفری هم راه می‌یابد و در صورت عدم احضار، مسئولیت دیه بر عهده کفیل قرار می‌گیرد.
(۲) كفالت‌پذیری از یک نفر برای دو تن درست نیست و چون چنین کند صرفاً مسئولیت احضار نفر اولی را دارد.
(۳) با رهنابیدن بدهکار، كفالت قهری لازم نمی‌آید، فقط وظیفه تأدیه مال بر عهده رهنابنده قرار می‌گیرد.
(۴) تأجیل، شرط صحت كفالت است، چرا که حال بودن منافعی با وظیفه احضار در زمان آینده است.
۳۲- در صورتی که مال مقصوب قیمی در دست غاصب تلف شود، بنابر نظر شهیدین ضمان غاصب نسبت به قیمت چگونه است؟
(۱) قیمت زمان رد
(۲) قیمت زمان تلف
(۳) بالاترین قیمت از زمان غصب تا زمان تلف
(۴) بالاترین قیمت از زمان غصب تا زمان رد

۳۳- کدام مورد، بیانگر عبارت «لا یشرط علمه بالمستحق» است؟

- (۱) آگاهی ضامن از مضمون له شرط نیست.
(۲) آگاهی مضمون عنه از مضمون له شرط نیست.
(۳) آگاهی مضمون له به مقدار مال مضمون شرط نیست.
(۴) آگاهی مضمون عنه به مقدار مال مضمون شرط نیست.

۳۴- کدام مورد، دلیل حکم مسئله زیر است؟

و لو قال «خلعتک علی الف فی ذمتک فکالت بل فی ذمه زید» خلعت علی الاقوی

- (۱) زوج منکر است و مبلغ خلع بر عهده زوجه ثابت است.
(۲) زوج مدعی است و زوجه منکر ثبوت چیزی بر ذمه خود است.
(۳) زوج و زوجه هر دو منکر ثبوت چیزی بر عهده یکدیگر هستند.
(۴) زوجه مدعی ثبوت چیزی بر ذمه دیگری است و زوج منکر آن است.

۳۵- کدام مورد، معنای عدم صحت اشتراط لزوم یا اجل در عقد مضاربه است؟

- (۱) بطلان عقد مؤجل
(۲) بطلان عقد مشروط
(۳) عدم جواز فسخ عقد
(۴) عدم وجوب وفاء به شرط

۳۶- کدام مورد در خصوص «مهریه»، درست است؟

- (۱) لا یصح اشتراط الخيار فی الصداق
(۲) ذکر الصداق فی العقد شرط فی صحتہ
(۳) إن فسخ ذوالخيار الصداق ثبت مهر المثل مع الدخول
(۴) يجوز اشتراط الخيار فی العقد لأنه ملحق بضروب المعاولات

۳۷- کدام مورد در خصوص شرطیت مرافعه مالک مال مورد سرقت نزد حاکم، درست است؟

- (۱) قطع ید سارق حد است و مرافعه مالک نقشی ندارد.
(۲) مرافعه شرط بوده و بدون آن قطع ید انجام نمی‌شود.
(۳) مرافعه در صورت قیام بینه نقش ندارد ولی اگر سرقت با اقرار ثابت شود، شرط است.
(۴) مرافعه در صورت اقرار سارق نقش ندارد ولی اگر سرقت با قیام بینه ثابت شود، شرط است.

۳۸- انتقال حق الرهانه به وارث، مقتضای کدام مورد است؟

- (۱) عینی بودن عقد رهن
- (۲) لزوم عقد از طرف رهن
- (۳) جواز عقد از طرف مرتهن
- (۴) عمومیت ادله لزوم وفاء به شرط

۳۹- «و لو قال هذه البئر لزيد بل وعمرو» حکم اقرار بنابر نظر شهیدین چیست؟

- (۱) خانه بین زید و عمرو به صورت مساوی تقسیم می‌شود.
- (۲) خانه به عمرو داده می‌شود و چیزی برای زید ثابت نمی‌شود.
- (۳) خانه به زید داده می‌شود و چیزی برای عمرو ثابت نخواهد بود.
- (۴) خانه به زید داده می‌شود و قیمت آن به عنوان غرامت به عمرو پرداخت می‌شود.

۴۰- با توجه به عبارت زیر از نظر شهید ثانی، کدام مورد درست است؟

«و لو ضمن للمشتري ضمان عن البائع درک ما يحدثه المشتري في الارض من بناء او غرس على تقدير ظهورها مستحقة لعير البائع و قلعه لها»

- (۱) این ضمان جایز نیست چون مخالف مقتضای عقد است.
- (۲) ضمان مذکور صحیح نیست چون «ضمان ما لم يوجب» است.
- (۳) این ضمان جایز است چون سبب ضمان در حال عقد موجود بوده است.
- (۴) ضمان مذکور فقط از سوی بایع درست است چون به سبب عقد بر عهده او ثابت شده است.

۴۱- اگر زنی از دنیا برود و ورثه او پدر، مادر، یک دختر و همسر او باشند، اموال او بین این ورثه چگونه تقسیم می‌شود؟

- (۱) $\frac{1}{4}$ به دختر و $\frac{1}{6}$ به پدر و $\frac{1}{4}$ به همسر و مابقی به مادر
- (۲) $\frac{1}{6}$ به هر یک از پدر و مادر و $\frac{1}{4}$ به همسر و مابقی به دختر
- (۳) $\frac{1}{3}$ به دختر و $\frac{1}{6}$ به هر کدام از پدر و مادر و مابقی به همسر
- (۴) $\frac{1}{4}$ به دختر و $\frac{1}{4}$ به همسر و مابقی بین پدر و مادر به‌صورت مساوی

۴۲- کدام مورد بیانگر عبارت «ذکاة الجنین ذکاة أمه» بنابر نظر شهیدین است؟

- (۱) جنین در صورتی که روح در آن دمیده نشده باشد با تذکیه مادر حلال است.
- (۲) جنین در هر صورت احتیاج به تذکیه ندارد چه تام‌الخلقه باشد و چه غیر تام‌الخلقه.
- (۳) جنین وقتی تام‌الخلقه به دنیا بیاید در هر صورت مانند مادرش احتیاج به تذکیه دارد.
- (۴) جنین در صورتی که تام‌الخلقه باشد با تذکیه مادر حلال است و احتیاج به تذکیه مجدد ندارد.

۴۳- کدام مورد در باب نفقه سفر در مضاربه درست است؟

- (۱) از اصل سرمایه است، تابع اشتراط نیست و شرط عدم نفقه لازم‌الوفاست.
- (۲) از ربح مال است، تابع شرط نیست و شرط عدم نفقه هم صحیح نیست.
- (۳) از اصل سرمایه است، تابع شرط است و اشتراط عدم نفقه صحیح نیست.
- (۴) از ربح مال است، تابع اشتراط است و شرط عدم نفقه لازم‌الوفاست.

- ۴۴- فروش عین مستأجره در مدت عقد اجاره چه حکمی دارد؟
 (۱) مطلقاً باطل است.
 (۲) فقط در صورتی که مشتری همان مستأجر باشد، صحیح است.
 (۳) در صورت علم مشتری به اجاره، صحیح است و در صورت جهل وی باطل است.
 (۴) در صورت علم مشتری به اجاره، صحیح است و در صورت جهل وی، اجاره از سوی مستأجر قابل فسخ است.
- ۴۵- بنابر نظر مشهور کدام مورد در خصوص بیع اشجار و ابنیه توسط مستعیر درست است؟
 (۱) لایجوز علی غیر المالك
 (۲) یجوز و لو علی غیر المالك
 (۳) یجوز باذن المالك فقط
 (۴) یجوز مع علم مشتری فقط
- ۴۶- «و کذا التصریة للشاة و الناقة بعد اختبارها ثلاثة ایام» به ترتیب «تصریة» به کدام معنا می‌باشد و سبب ایجاد کدام خیار است؟
 (۱) جمع کردن شیر در پستان حیوان - تدلیس
 (۲) فقدان شیر در پستان حیوان - حیوان
 (۳) فقدان حمل در حیوان - غبن
 (۴) نازا بودن حیوان - عیب
- ۴۷- کدام مورد، در رهن شرط است؟
 (۱) قبض و دوام رهن
 (۲) تعیین مدت و قبض
 (۳) دوام عقد و دوام قبض
 (۴) تعیین مدت و دوام قبض
- ۴۸- «و لو اختلف فی الرهن و الودیعة بان قال المالك: هو وودیعة و قال الممسك هو رهن حلف»
 (۱) الممسك لاصالة عدم الرهن و لآنه منكر
 (۲) الممسك لاصالة عدم الودیعة و لأن المالك مدع
 (۳) المالك لاصالة عدم الرهن و لآنه منكر
 (۴) المالك لاصالة عدم الودیعة و لأن الممسك مدع
- ۴۹- لو اشتری فی قتله ثلاث نسوة و اراد الولی قتلهن یرد علیهن
 (۱) دية كاملة
 (۲) ثلث دية كاملة
 (۳) ثلثا دية كاملة
 (۴) دية امرأة و هی نصف الدية
- ۵۰- تملك لقطه بر مبنای درهم تا کمتر از چه مقدار جایز است؟
 (۱) ربع
 (۲) نیم
 (۳) یک
 (۴) دو
- ۵۱- در عبارت: «تحتاج المطلقة مع کمال الطلقات الثلاث الى المحلل»، کدام قسم از طلاق اراده شده است؟
 (۱) همه اقسام طلاق
 (۲) رجعی
 (۳) عدی
 (۴) بان
- ۵۲- «لو ظهر کذب البایع فی بیع المراهجة» حکم مسئله بنابر نظر شهیدین، کدام مورد است؟
 (۱) بطل البیع مطلقاً
 (۲) تخیر مشتری بین الاخذ بالزیادة و الامضاء بالثمن
 (۳) تخیر مشتری بین رده و اخذه بالثمن الذی وقع علیه العقد
 (۴) بطل البیع لو کان کلیاً و تخیر بین الفسخ و الامضاء بالثمن لو کان جزئياً
- ۵۳- کدام مورد در خصوص عبارت زیر درست است؟
 «و فصل ثالث فحکم بذالك (عدم الضمان) مع قبض السفیه المال باذن مالک و لو کان بغیر اذنه ضمنه مطلقاً»
 (۱) لان المعاملة عندئذ فاسدة و إنما یترتب الاثر علیها مع حصول الاذن فائره الضمان
 (۲) لان المعاملة الفاسدة لا یترتب علیها حکم فیکون قابضاً بغیر اذن فیضمنه
 (۳) لانه مقتضى اطلاق قاعدة كلما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده
 (۴) لانه مقتضى اطلاق كلما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده

۵۴- کدام مورد درخصوص عبارت زیر درست است؟

«و لو كان السَّهم مما يقتل كثيرا خاصة فقدم اليه قليلا بقصد القتل»

- (۱) فكالکثیر
- (۲) فحكمه الى رأى الحاكم
- (۳) فحكمه ليس كمقدم الكثیر
- (۴) فحكمه يختلف باختلاف الامزجة

۵۵- کدام مورد درخصوص عبارت زیر درست است؟

«لو اتلف عليه ثوباً يساوي درهمين فصالح على اكثر او اقل فالمشهور انصح»

- (۱) و يتم هذا سواء على القول بضمان القيمي بمثله او بقيمته
- (۲) انما يتم على القول بضمان القيمي بقيمته
- (۳) لان الصلح جائز مع الاقرار و الانكار
- (۴) لان مورد الصلح الثوب لا الدرهمان

۵۶- کدام مورد به ترتیب مقصود از «طرد» و «اصل» در عبارت زیر است؟

«و لكن ينتقض في طرده بالصلح على المنفعة بعوض معلوم فانه ليس اجارة بناءً على جعله اصلاً»

- (۱) خارج کردن تعریف - اجاره اصلی
- (۲) مانع بودن تعریف - عقد اصلی
- (۳) بیرون کردن تعریف - اصل اجاره
- (۴) دور کردن تعریف - اصل صلح

۵۷- اگر مؤجر با مستأجر شرط کند که استیفاء منفعت تنها به وسیله مستأجر صورت گیرد ولی مستأجر عین مستأجره را به دیگری اجاره دهد، حکم اجاره دوم کدام است؟

- (۱) اجاره دوم در صورتی صحیح است که مستأجر اول شرط کند که استیفاء منفعت برای مستأجر دوم را خودش انجام دهد.
- (۲) اجاره دوم به صورت فضولی واقع می‌شود و در صورت اجاره مؤجر اول صحیح خواهد بود.
- (۳) اجاره دوم صحیح است ولی مؤجر اول حق فسخ اجاره اول را دارد.
- (۴) مطلقاً اجاره دوم باطل است چون مخالف شرط مؤجر اول است.

۵۸- کدام مورد درخصوص حکم ارث شفعه بنابر نظر شهیدین، درست است؟

- (۱) شفعه فقط در املاک ثابت است و قابل توریث نیست.
- (۲) باتوجه به عمومات ادله شفعه، ارث در شفعه ثابت است.
- (۳) باتوجه به روایات موجود در باب شفعه، ارث شفعه ثابت نیست.
- (۴) به خاطر عمومات ادله ارث شفعه مانند سایر حقوق به ارث برده می‌شود.

۵۹- کدام مورد، حکم وصی قرار دادن طفل است؟

- (۱) تصح الوصية الى الصبي منضماً الى كامل
- (۲) لا تصح الوصية الى الصبي الا منضماً الى وليه
- (۳) لا تصح الوصية الى الصبي مطلقاً و لو منضماً الى كامل
- (۴) تصح الوصية الى الصبي منفرداً و لكن لا يتصرف حتى يكمل

۶۰- کدام مورد به ترتیب در مورد رد موصی له درست است؟

«و إن رد بعد الوفاة قبل القبول و إن رد بعد القبول»

- (۱) لم تبطل إن قبض - بطلت و إن قبض
- (۲) بطلت إن لم يقبض - لم تبطل إن قبض
- (۳) لم تبطل إن لم يقبض - بطلت إن لم يقبض
- (۴) بطلت و إن قبض - لم تبطل و إن لم يقبض

- ۶۱- کدام مورد بیانگر رابطه میان دو نص کریمه «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَفْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» و «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» است؟
 (۱) تبیین دلیل مجمل
 (۲) حکومت اماره بر اصل
 (۳) تقدم دلیل اظهر بر ظاهر
 (۴) تخصیص عام به مفهوم مخالف
- ۶۲- بنابر نظر مرحوم شیخ انصاری و آخوند خراسانی، دلالت روایات بر حجیت خبر واحد به ترتیب چه نوع توانری است؟
 (۱) معنوی - لفظی
 (۲) اجمالی - معنوی
 (۳) معنوی - اجمالی
 (۴) لفظی - اجمالی
- ۶۳- إِنَّ الْمَعْرُوفَ عَنْدهُمْ أَنَّ الْأَمَارَةَ فِي الْمَوْضُوعَاتِ اخذت عَلَى نَحْوِ و عَلَيْهِ فَلَا مَارَةَ فِيهَا الأجزاء.
 (۱) الموضوعیه - لاتقتضی
 (۲) الطریقیه - لاتقتضی
 (۳) الموضوعیه - تقتضی
 (۴) الطریقیه - تقتضی
- ۶۴- متن زیر منتقد کدام یک از نظریه‌های اجماع است؟
 «إِنَّ السَّبَبَ الَّذِي يَدْعُو إِلَى اخْتِفَاءِ الْإِمَامِ وَ احْتِجَابِ نَفْعِهِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ تَقْوِيَةٍ لِأَعْظَمِ الْمَصَالِحِ النَّوَاعِيَةِ لِلْبَشَرِ هُوَ نَفْسُهُ قَدْ يَدْعُو إِلَى احْتِجَابِ حُكْمِ اللَّهِ عِنْدَ أَجْمَاعِ الْعُلَمَاءِ عَلَى حُكْمِ مُخَالَفِ لِلْوَاقِعِ»
 (۱) لطفی
 (۲) تشرفی
 (۳) کشفی
 (۴) حسی
- ۶۵- محقق نائینی، اشتراک احکام بین عالم و جاهل را بر کدام مبنا به اثبات رسانده است؟
 (۱) متمم کشف
 (۲) متمم جعل
 (۳) مصلحت تسهیل
 (۴) اطلاقات ادله احکام
- ۶۶- طبق نظر مرحوم مظفر کدام مورد، موطن حجیت امارات است؟
 (۱) صورت انسداد باب علم نسبت به امارات شرعیه و اعم از آن در غیر آن
 (۲) صورت انسداد باب علم نسبت به احکام و اعم از آن در موضوعات
 (۳) اعم از صورت انسداد باب علم و انفتاح باب علم
 (۴) صورت انسداد باب علم
- ۶۷- کدام مورد در خصوص تخصیص کتاب به خبر واحد، درست است؟
 (۱) خبر واحد می‌تواند قرینه باشد بر تصرف در ظاهر کتاب.
 (۲) تخصیص کتاب به خبر واحد تنها با خبر قطعی‌الصدور جائز است.
 (۳) ظاهر کتاب می‌تواند برای رفع ید از دلیل حجیت خبر قرینه باشد.
 (۴) تخصیص عام کتاب به خبر واحد جائز نیست به دلیل قطعی‌الصدور بودن کتاب و ظنی بودن خبر.
- ۶۸- بنابر اشتراک احکام میان عالم و جاهل، علم به تکلیف در کدام مرحله از مراحل تکلیف مدخلیت دارد؟
 (۱) انشاء
 (۲) فعلیت
 (۳) اقتضاء
 (۴) تنجز
- ۶۹- کدام مورد بیانگر مناط در اثبات حجیت امارات است؟
 (۱) سیره عقلا که بر امارات قائم است.
 (۲) ظن معتبر در حجیت امارات است.
 (۳) علمی که قائم بر اعتبار امارات است.
 (۴) ظن نوعی که از امارات به دست می‌آید.
- ۷۰- کدام مورد در خصوص مفهوم اصطلاحی در علم اصول درست است؟
 (۱) مفهوم به مدلولات التزامی جملات ترکیبی اختصاص نداشته بلکه شامل مدلولات التزامی مفردات هم می‌شود.
 (۲) مفهوم شامل مدلولات التزامی و تضمنی جملات ترکیبی می‌شود البته در صورتی که جملات مزبور انشائی باشد.
 (۳) مفهوم به مدلولات التزامی جملات ترکیبی اختصاص دارد، اعم از اینکه جملات مزبور انشائی یا اخباری باشند.
 (۴) مفهوم به مدلولات التزامی و تضمنی جملات ترکیبی اختصاص دارد و شامل مدلولات مطابقی جملات و مفردات نمی‌شود.

- ۷۱- مقدار دلالت سیره در انجام عملی یا ترک عملی به ترتیب کدام است؟
 (۱) وجوب عمل - حرمت عمل
 (۲) استحباب عمل - کراهت عمل
 (۳) مشروعیت عمل - مشروعیت ترک عمل
 (۴) مشروعیت و وجوب عمل - عدم مشروعیت و حرمت عمل
- ۷۲- با توجه به آنچه که مظفر فرموده، استعمال لفظ اماره در ظن معتبر چه استعمالی است؟
 (۱) مجاز در استعمال
 (۲) استعمال مترادفین در معنای واحد
 (۳) استعمال مشترکان به اشتراک حقیقی
 (۴) استعمال متخالفان در معنی و متحدان در مصداق
- ۷۳- عبارت زیر به کدام مورد مربوط است؟
 «و الفرد المشكوك مردد بین دخوله فیما كان العام حجة و بین خروجه عنه مع عدم دلالة العام علی دخوله فیما هو حجة فيه»
 (۱) جواز التمسك بالعام فی الشبهة المصداقية
 (۲) عدم جواز التمسك بالعام فی الشبهة المصداقية
 (۳) جواز التمسك بالعام فی الشبهة المفهومية و الامر دائر بین المتباينين
 (۴) عدم جواز التمسك بالعام فی الشبهة المفهومية و الامر دائر بین المتباينين
- ۷۴- ما هو مورد الاستصحاب؟
 (۱) فعلية الشك و اليقين مع اختلاف متعلقهما
 (۲) اتحاد زمان اليقين و الشك مع اختلاف متعلقهما
 (۳) تعدد زمان اليقين و الشك مع اتحاد زمان متعلقهما
 (۴) اتحاد زمان اليقين و الشك مع تعدد زمان متعلقهما
- ۷۵- مبنای انصاری در مورد الف و لام اليقين در استدلال به جملة «لاينقض اليقين بالشك» در صحیحة زرارة بر استصحاب کدام مورد است؟
 (۱) برای جنس می‌باشد تا موارد مختلف را شامل شود.
 (۲) برای عهد ذکری می‌باشد تا وضوی یقینی را شامل شود.
 (۳) برای عهد ذهنی می‌باشد تا ارتباط بین یقین و شک برقرار شود.
 (۴) برای معرفه می‌باشد تا همان مورد ذکر شده در روایات را شامل شود.
- ۷۶- در حدیث رفع از نظر عرفی و اظهریت بنابر نظر مرحوم شیخ انصاری مقدر کدام است؟
 (۱) مؤاخذه در مورد احکام و جمیع آثار در موضوعات (۲) اثر مناسب هر یک از موارد
 (۳) جمیع آثار در همه موارد (۴) مؤاخذه در همه موارد
- ۷۷- کدام مورد بنابر نظر مرحوم شیخ انصاری در خصوص تقدیم امارات بر اصول عملیه عقلیه، درست است؟
 (۱) ادلة امارات بر ادلة عقلیه قائم بر اصول عملیه عقلیه وارد می‌شود و موضوع آن‌ها را مرتفع می‌کند.
 (۲) ادلة امارات به منزله رافع موضوع اصول عملیه عقلیه می‌شود و حکومت بر آن‌ها پیدا می‌کند.
 (۳) ادلة امارات با اصول عملیه عقلیه تعارض پیدا می‌کند و بنابر مرجحات عقلیه مقدم می‌شود.
 (۴) ادلة امارات بر اصول عملیه عقلیه مقدم می‌شود و آن‌ها را تخصیص می‌زند.
- ۷۸- عبارت زیر بیانگر کدام یک از نظریه‌های اجماع امامیه است؟
 «و هی ان يتحقق الاجماع بمراي و مسمع من المعصوم مع اسكان ردعهم ببيان الحق لهم و لو بالقاء الخلاف بينهم فيكون دليلاً على ان ما اتفقوا عليه هو حكم الله»
 (۱) لطفی (۲) حسی (۳) تقریری (۴) دخولی

- ۷۹- عبارت «فعلیه الوجوب فیہ سابق علی فعلیة الواجب». بیانگر کدام یک از اقسام واجب است؟
 (۱) مشروط (۲) مطلق (۳) غیرى (۴) معلق
- ۸۰- کدام مورد در خصوص مفهوم «غایت»، درست است؟
 (۱) لا دلالة علی المفهوم لأن الغاية قیداً للحکم
 (۲) لا دلالة علی المفهوم لأن الغاية قیداً للموضوع
 (۳) مفهوم الغاية ثابت لأن الغاية ظاهر فی رجوعها الی الحکم
 (۴) مفهوم الغاية ثابت لأن الغاية ظاهر فی رجوعها الی الموضوع
- ۸۱- کدام مورد در خصوص اجزاء، درست است؟
 (۱) يتصور الاجزاء فی الاحتیاط العقلي لتصور نفوית المصلحة فیہ
 (۲) الامارة فی الموضوعات تقتضی الاجزاء یخلاف الامارة فی الاحکام
 (۳) المصلحة فی العمل بالاصل لیس رفع الحيرة عند الشک حتی يقتضی الاجزاء
 (۴) الاصول العملية العقلية لا يتصور فیها الاجزاء لعدم تضمنها حکماً ظاهراً
- ۸۲- صورت تعدد زمان یقین و شک و اتحاد زمان متعلق آن‌ها، کدام مورد است؟
 (۱) استصحاب قهقری (۲) قاعده یقین
 (۳) استصحاب تقدیری (۴) قاعده مقتضی و مانع
- ۸۳- قاعده ثانویه در مورد متعارضین مطابق دیدگاه مرحوم مظفر، کدام است؟
 (۱) وجوب الاخذ بما وافق الاحتیاط
 (۲) التخییر فی الاخذ باحدهما مطلقاً
 (۳) التوقف فی الفتوی و عدم جواز العمل باحدهما
 (۴) التخییر فی الاخذ باحدهما فی حالة عدم امکان الاحتیاط
- ۸۴- کدام مورد با دیدگاه مرحوم مظفر در مورد دلالت ادله حجیت شهرت فتوایی مطابقت دارد؟
 (۱) دلالت مفهوم موافق ادله حجیت خبر واحد و عموم تعلیل آیه نبأ مقبول بوده و دلالت مرفوعه زرارة مردود است.
 (۲) دلالت عموم تعلیل آیه نبأ مقبول بوده و دلالت مفهوم موافق ادله حجیت خبر واحد و مرفوعه زرارة مردود است.
 (۳) دلالت عموم تعلیل آیه نبأ و مرفوعه مقبول بوده و دلالت مفهوم موافق ادله حجیت خبر واحد مردود است.
 (۴) هیچ یک از ادله دلالت ندارد.
- ۸۵- ما هو مقتضی الاصل العملی فی تداخل الاسباب، و ما دلیل ذلك؟
 (۱) عدم التداخل - الاشتغال الیقینی يستدعی الفراغ الیقینی
 (۲) التداخل - اصل البرائة فی الشک فی تکلیف الزائد
 (۳) عدم التداخل - استصحاب عدم التکلیف
 (۴) التداخل - استصحاب بقاء التکلیف
- ۸۶- کدام مورد، تعریف انصراف بدوی است؟
 (۱) انصرافی که از لفظ ناشی نشده بلکه از سبب خارجی ناشی شده باشد.
 (۲) انصرافی که از لفظ ناشی شده و به واسطه کثرت استعمال در معنای مجازی باشد.
 (۳) انصرافی که از لفظ ناشی شده و به واسطه کثرت استعمال در معنای حقیقی باشد.
 (۴) انصرافی که از لفظ ناشی شده و به واسطه کثرت استعمال در معنای اعم از حقیقی و مجازی باشد.

- ۸۷- کدام مورد درخصوص «الاستثنائیه» درست است؟
 «الاستثنائیه دلالت بر مفهوم دارد و نحوه دلالت آن، دلالت التزامی»
 (۱) غیر بین است.
 (۲) بین به معنای اعم است.
 (۳) بین به معنای اخص است.
 (۴) غیر بین است ولی در صورت وجود قرینه صارفه، بین می شود.
- ۸۸- ما هو الجواب على رأى الشيخ الانصارى عن اخبار التوقف؟
 (۱) ظاهر اخبار التوقف حرمة الحكم و الفتوى من غير علم و لكننا ندعى علمنا بالحكم الظاهرى و هى الاباحة
 (۲) إن الامر فى اخبار التوقف للارشاد و لا يترتب على مخالفته عقاب غير ما يترتب على ارتكاب الشبهة احياناً
 (۳) إن اخبار التوقف معارضة باخبار البرائة و هى اقوى سنداً و دلالة و اعتضاداً بالكتاب و السنة و الفعل
 (۴) إن اخبار البرائة اخص و اخبار التوقف تشتمل كل شبهة فتخصص باخبار البرائة
- ۸۹- پاسخ شیخ انصارى اتکالاً بر قبح عقاب بلا بیان، به قائلین به احتیاط درخصوص استدلال به آیه تهلکة در شبهات حکمیه تحریمیه، کدام است؟
 (۱) الهلاک بمعنی العقاب معلوم العدم
 (۲) لامنافاة بین الهلاک و التقوى و المجاهدة
 (۳) الهلاک بمعنی الضرر لا يجب فيها الاجتناب
 (۴) لادلیل على وجوب الاحتیاط فى موارد الهلاک
- ۹۰- مرحوم شیخ انصارى در مورد روایت «اخوانک دینک فاحتط لدینک» می فرماید: «إن الامر المذكور بالاحتیاط لخصوص الطلب الغير الالزامى لان المقصود منه بیان»
 (۱) المقدار الواجب من الاحتیاط
 (۲) جميع مراتب الاحتیاط
 (۳) اخص موارد الاحتیاط
 (۴) اعلی مراتب الاحتیاط

